

بررسی آخرین تحولات ساختاری و محتوایی غزل از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰

مهدی زارعی^۱

چکیده

قالب غزل در طول چند صد سالی که از عمر پر فراز و نشیب خود سپری کرده، همواره شاهد تغییر و تحولاتی در محتوا و ساختار خود بوده است. اما آنچه که در این نوشتار مورد بررسی قرار خواهد گرفت، آخرین تحولاتی است که در طول دو دهه‌ی اخیر توسط غزل سرایان جوان در محتوا و ساختار این قالب کهن به وجود آمده است؛ تغییراتی که بی‌شک تحت تأثیر فضای حاکم بر شعر معاصر (نیمایی، سپید و...) بوده و به لطف انعطاف‌پذیری غیرقابل انکاری که این قالب از خود نشان داده است همچنان بعد از گذشت هزار سال به عنوان یکی از پرکاربردترین قالب‌ها به حیات ادبی خود ادامه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: غزل معاصر، تحولات، محتوا، ساختار

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

بی‌شک قالب غزل در تمامی ادوار شعر فارسی یکی از اصلی‌ترین قالب‌های مورد توجه شاعران بوده و هست؛ تا آنجا که به «عروس شعر فارسی» شهرت یافته است. این قالب که در آغاز به صورت غیرمستقل و به عنوان بخشی از قصیده متولد شده بود، کم‌کم به استقلالی ساختاری دست یافت و با جدا شدن و فاصله گرفتن از قالب مادر، به عنوان فرزندی مستقل به رشد و نمو خود ادامه داد و تا کنون چند قرن است که حیات ادبی خود را حفظ کرده است.

آنچه که در این میان حائز اهمیت است تحولاتی است که این قالب در طی قرن‌های متمادی به خود دیده و می‌بیند؛ قالبی که در آغاز ظرفی بود برای بیان سخنان، عواطف و اندیشه‌های عاشقانه و تغزلی، اما به تدریج، شعاع این دایره‌ی بسته بزرگ و بزرگ‌تر شد و علی‌رغم مخالفت و مقاومت برخی از شاعران و منتقدان که کارایی این قالب را صرفاً مختص اندیشه‌های تغزلی می‌دانستند و می‌دانند، این قالب با تلاش و سنت‌شکنی‌های عده‌ای دیگر از شاعران در عمل ثابت کرد که قالبی پویا و انعطاف‌پذیر است و می‌تواند خود را با شرایط زمانی متفاوت، در دوره‌های مختلف، هم‌گام و هماهنگ کند؛ تا جایی که امروزه هر مضمون و محتوایی را می‌توان مظروف این ظرف دانست؛ ظرفی که توانایی آن را دارد که در دوره‌ای خاص از جنس سفال باشد و در دوره‌ای دیگر از جنس کریستال و...

از سوی دیگر، در دریای پر تلاطم شعر فارسی، هیچ‌گاه کشتی غزل همانند دوره‌ی معاصر دچار توفان‌های سهمگین نشده است؛ توفان‌هایی از جنس ظهور شعر نیمایی و شعر سپید که خواستار تغییرات بنیادین در قالب‌های کلاسیک فارسی شده بودند؛ تحولاتی که قالب‌های کلاسیک از جمله غزل را ناکارآمد تلقی کرده و بر این عقیده پای می‌فشرد که این قالب‌ها متعلق به زندگی سنتی قرن‌های گذشته بوده و بازندگی غیرسنتی

و شهری عصر حاضر که مملو از نمادهای صنعتی و مدرن است تناسب نداشته و با آن مغایرت دارد.

با محکم شدن جای پای نیما یوشیج در ادبیات معاصر و پذیرش تئوری‌های او، بسیاری از قالب‌های کلاسیک با بالا بردن پرچم سفید، از متن به حاشیه رانده شدند و تا کنون نیز هیچ‌گاه نتوانسته‌اند جایگاه اولیه‌ی خود را باز پس بگیرند؛ اما قالب غزل با سرسختی‌ای مثال زدنی، همچون جنگ جویی کهن سال، شانه به شانه‌ی این حریف جوان تازه وارد، در میدان باقی ماند؛ موفقیتی که هرگز حاصل نمی‌شد مگر با زیرکی و درک درست شاعران غزل‌سرا از شرایط به وجود آمده‌ی جدید. شاعرانی که بسیاری از پیشنهادهای نیما را در بسیاری از زمینه‌ها در این قالب پیاده کردند. تغییراتی که در دو دهه‌ی اخیر به شدت سرعت گرفته است و هدف اصلی این نوشتار بررسی همین تحولات در دو محور محتوا و ساختار است.

۱. تحولات محتوایی

۱-۱. عاشقانه

غزل قالبی است که از آغاز شاعران آن را مناسب‌ترین ظرف برای مضامین عاشقانه تشخیص داده و تا عصر حاضر نیز این روند ادامه داشته است. گذشته از مضمون کلی و موضوع محوری این گونه آثار که همان معشوق و وصف حالات و ویژگی‌های اوست، وقتی که سخن از چگونگی نگرش به این موضوع ثابت به میان می‌آید قضاوت‌ها و برخوردهایی که در هر دوره‌ای وجود داشته است، حاکی از تفاوت در دیدگاه شاعران دوره‌های مختلف است که عصر حاضر و به ویژه دوره‌ی مورد بررسی این مقاله نیز از این قاعده مستثنی نیست. در ادامه برخی از این تحولات را بررسی می‌کنیم:

۱-۱-۱. نام بردن از معشوق زمینی با عناوینی مانند بانو، خاتون، زن، خانم و...

مثال:

کدام صیغه؟ نه جمعم، نه مفردم بانو خودت بگو چه کم؟ من مرددم بانو^۱
(طریقی، ۱۳۸۶: ۴۳)

۱-۱-۲. مثلث‌های عشقی، خیانت و...

مثال:

ترکیبی از کثافت و آهن نشسته استشهری بزرگ منتظر من نشسته است...
حالا که تو در آینه‌ات گریه می‌کنیخوشحال، پیش عشق خودش زن نشسته است^۲
(موسوی، ۱۳۸۴: ۱۰۳)

۱-۱-۳. اسامی وسایل آرایشی زنانه

مثال:

یک روز، یک غروب، گلی سرخ ناگهان پیر پر شد و نشست تن باد بی‌امان...
یک برگ از مچاله‌ی گلبرگ‌های سرخ ماتیک شد به روی لب دختری جوان...^۳
(تقوایی، ۱۳۸۷: ۲۹)

۱-۱-۴. نگاه منفی و بدبینانه نسبت به عشق

مثال:

از خود سؤال می‌کنم‌ای زن تو کیستی آخر چگونه مرد شدی تا بایستی...
ای عشق! رنگ و بوی تعفن گرفته‌ای چون بیست سال در دل یک مرده زیستی...^۴
(موسوی، ۱۳۸۴: ۳۶)

۱-۱-۵. پاسخ منفی شاعر (به عنوان معشوق) به عاشق

مثال:

نه از قبایل تاتارم، نه از طوایف چنگیزم که با نگاه تو بستیزم، که با زمانه در آویزم...

خراب چشمم اگر باشی، تو را دوباره نمی‌سازم

دوباره عمر عزیزم را به پای عشق نمی‌ریزم...^۵

(بهرامی، ۱۳۸۱: ۸۵)

۱-۱-۶. آوردن اسامی خاص، از جمله اسم شاعر یا معشوق او در متن

مثال:

سه ماه تلخ...سه ماه...سه ماه...بی مفهوم	و انتظار برای نتیجه‌ای معلوم
دو تا پیاله شراب و دو تا پیاله غسل	بیا بنوش به یاد «فرشته‌ی مرحوم
هدی قریشی شهری - ۱۳۶۰»	و روی قبر نوشته: دلیل نامعلوم... ^۶
	(قریشی، ۱۳۸۶: ۱۵)

۱-۱-۷. قتل عاشق یا معشوق به دست دیگری

مثال:

از روی دست خط قشنگش که مانده بود	دیشب به احتمال قوی شعر خوانده بود
گفتند مرد نیمه‌ی شب با دو چرخه‌اش	خود را به کوچه‌ی گل مریم رسانده بود
می‌خواست اعتراف بزرگی کند، ولی	زن ماشه را دو ثانیه قبلش چکانده بود ^۷
	(کیانی، ۱۳۸۲: ۱۲۵)

۱-۱-۸. زن در جایگاه عاشق و مرد در جایگاه معشوق

مثال:

وقتی زن از ادامه‌ی خود ناامید شد	چشم تو باز بانی شعری جدید شد...
آموخت از نگاه تو هر روز یک غزل	زن بنده‌ی تو گشت، و هر روز عید شد...
زن شعر، زن سماع و توفان و انقلاب	اصلاً در آرزوی تو زن بایزید شد... ^۸
	(سلطان‌پور، ۱۳۸۴: ۷۹)

۱-۲-۲. خودکشی

مثال:

لبخند زد به ساعت روی جلیقه‌اش
در لوله‌ی تفنگ گلوله گذاشت، گفت:
فرقی نداشت ساعت و روز و دقیقه‌اش
شلیک! گُمب!... بعد گلی مخملی شکفت
آدم چه فرقی دارد قلب و شقیقه‌اش؟
بر دکمه‌های تنبل روی جلیقه‌اش^{۱۳}
(میرزایی، ۱۳۸۷: ۱۳۰)

۱-۲-۳. سیگار کشیدن

مثال:

می‌خواهم از تو بگذرم و مثل حادثه
در تنگنای تیره‌ی تکرار گم شوم
آنگاه مثل سوختن لحظه‌های خیس
در دودهای حلقه‌ی سیگار گم شوم^{۱۴}
(خنیاگر، ۱۳۸۱: ۸۱)

۱-۲-۴. اعتیاد به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها

مثال:

بلا به سمت تو آمد، گرفت جانت را
جرقه‌ای زد و سوزاند خانمانت را...
پدر چه کرده برایت حشیش جز این که
گرفته از تو تن سالم و جوانت را...^{۱۵}
(رشیدی، ۱۳۸۴: ۶۱)

۱-۲-۵. زیر سؤال بردن باورهای دینی و...

مثال:

از این نتیجه داور بازی کلافه است
«یک لحظه صبر و حوصله، یک بوسه بیشتر
و آخرین دقایق وقت اضافه است...
دنیای پشت ابر، عزیزم خرافه است...»^{۱۶}
(معارف، ۱۳۸۶: ۱۴)

۱-۲-۹. نمادهای زندگی مدرن و شهری.

مثال:

فرشته بوده‌ای و جایت آسمان بوده ستارگان همه دورت نگاهبان بوده...
لباس، خانه، غذا، مبل، ویدئو، ماشین و تو که جایت از آغاز آسمان بوده^{۲۰}
(موسوی، ۱۳۸۱: ۱۵۸)

۱-۲-۱۰. واژه‌ها و جمله‌های غیرمؤدبانه و غیراخلاقی.

مثال:

با «نه» شروع شد... و به «نه» می‌شود تمام عشقی که خورده روح مرا مثل یک جدام...
پای اجاق گاز قدیمی نشسته عشق تا که همیشه زر بزند: عین... قاف... لام...^{۲۱}
(قریشی، ۱۳۸۶: ۱۵)

۱-۲-۱۱. یادآوری خاطرات کودکی (دوران مدرسه، بازی‌ها و...)

مثال:

باد با خود همه‌ی خاطره‌ها را آورد حال این شاعر بی‌حوصله را جا آورد
باد با خود همه‌ی خاطره‌ها را از یک دفتر مشق چهل برگ به اینجا آورد
و صدایی که در آن خاطره‌ها می‌پیچید بچه‌ها جمله بسازید همه با «آورد»...^{۲۲}
(آریان، ۱۳۸۷: ۹)

۱-۲-۱۲. فال‌گیری و کف‌بینی (فال قهوه، فال حافظ و...)

مثال:

فالگیری به من گفت امسال منتظر باش مهمان می‌آید

عاشقانه‌ترین روز پاییز، یک فرشته به کاشان می‌آید^{۲۳}
(میرانی، ۱۳۸۶: ۷۱)

۱-۳. مقاومت و پایداری (دفاع مقدس).

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل و پایان جنگ تحمیلی، موضوع پرداختن شاعران به جنگ و حوادث آن نه تنها به فراموشی سپرده نشد بلکه مورد اقبال بسیاری از شاعران جوان واقع شد که حتی دوران جنگ را ندیده بودند. اما تغییرات چشم‌گیری در زاویه‌ی دید شاعران به این موضوع به وجود آمد که به طور کلی می‌توان گفت به مرور از اصل جنگ فاصله گرفته و بیش‌تر به حواشی و تبعات آن پرداخته شد. ضمن اینکه با فروکش کردن کارکرد حماسی و هیجانی آثار پیشین، غزل‌سرایان هم‌زمان با ارائه آثار جدید، به ارتقاء جنبه‌ی هنری آثار خود هم روی خوش نشان داده و رفته رفته از فضای شعاری سال‌های جنگ فاصله گرفتند و آثار ماندگاری را خلق کردند.

بر این اساس می‌توان رویکرد محتوایی غزل را با موضوع کلی مقاومت و پایداری (دفاع مقدس) تحت عناوین زیر بررسی کرد:

۱-۳-۱. توصیف لحظه‌ی شهادت

مثال:

زانو زدم، نشستم و دردم شدید شد	دالانی از ستاره درونم پدید شد
دستم دراز شد طرف آسمان و بعد	یک تکه ابر آمد و اسبی سپید شد
بر گرده‌اش نشستم و آن قدر زل زدم	تا نقطه‌ی سیاه زمین ناپدید شد
باطل شدند خاطره‌های جنازه‌ام	جلد شناسنامه‌ی روحم جدید شد
بعداً که توی خواب پدر آمدم زمین	دیدم نوشته‌اند: «محمد شهید شد» ^{۲۸}

(کیانی، ۱۳۸۱: ۱۴)

۱-۳-۲. شهادت و انتظار ظهور.

مثال:

چون پرستوی کوچ پر زد و رفت، او که الگوی استواری بود
مرد جنگ و جنون و آتش و دود، کوهی از صبر و پایداری بود...

۱-۳-۵. پدران، مادران، برادران و خواهران شهدا

مثال:

مادر که گریه کرد، دلم تکه تکه شد
قرآن و آب و آینه هم تکه تکه شد
او رفت، رفت و دور شد و در نگاه من
تصویر او قدم به قدم تکه تکه شد
... در زد کسی و گفت که یک مرد آشنا
دیشب میان خون و بلم تکه تکه شد ۳۲
(حسینی، ۱۳۸۳: ۳۷)

۱-۳-۶. همسران جانبازان

مثال:

و در جوانی اش کشید طرح انتظار را
زنی که آمده است تا به سر برد قرار را
سکانس یک، لباس های مرد او به دست باد
و چفیه در سکانس بعد، سیم خاردار را...
سکانس آخری دو دست او کجاریها شده
که زن گرفته دست صندلی چرخدار را ۳۳
(عزیزیان، ۱۳۸۶: ۹)

۱-۳-۷. جانبازان شیمیایی

مثال:

سلام، خسته نباشید، دوستان... سرفه
همیشه سفره تان غرق آب و نان... سرفه
سلامتی به وجود شما گوارا باد
صدای خنده تان تا به بیکران... سرفه
حریر خواب شما... سرفه... گرم و نرمینه
لباس روح شما... سرفه... پرنیان... سرفه
و سرفه، سرفه ی ممتد، سیاه و درد آلود
گرفته است از او این زمان، امان، سرفه ۳۴
(میرعبدا...، ۱۳۸۳: ۱۸۴)

۱-۳-۸. پیوند دفاع مقدس و واقعه ی عاشورا

مثال:

ای کاش می شد بیاری از او نشانی، شلمچه! یا لااقل خاطراتی از او بخوانی، شلمچه!

ای وادی استقامت، ای کربلای شهیدان بر صفحه‌ی قلب‌هامان، تو جاودانی شلمچه...! ^{۳۵}
(طباطبایی، ۱۳۸۳: ۱۱۴)

۱-۳-۹. وصیت‌نامه نوشتن

مثال:

با آن دو چشم آبی زیباتر از دریا باید نمی‌خواهید آن شب را که تا فردا -
بنویسد آزادانه هر [آن] چه گفتنی دارد بر کاغذی گاهی و با پیوست یک امضا... ^{۳۶}
(تنگاب، ۱۳۸۳: ۴۲)

۱-۳-۱۰. زنده نگه داشتن روحیه‌ی حماسی پس از جنگ

مثال:

اگر به دوش کشم تکه تکه سنگت را قفس شکسته، برون آورم پلنگت را
وطن بمیرم اگر جاودانه می‌سازیم به بام‌های جهان پرچم سه رنگت را...
بیا به خاطر فردا بده همین امروز به دست کودک دیروز خود تفنگت را... ^{۳۷}
(محمدی، ۱۳۸۱: ۱۳۶)

۱-۴. طنز

شاید هر اثری که به نوعی لبخندی را بر لبان مخاطب بنشانند، از نظر عموم مردم یک اثر طنز باشد و حتی به اشتباه، طنز را قالب ارائه اثر تلقی کنند، اما «برخلاف تصور رایج و غلط عمومی طنز قالب ارائه اثر نیست. متأسفانه این غلط مصطلح به رسانه‌ها نیز راه یافته است و فراوان دیده و شنیده‌اید که مجری برنامه‌ای، توجه شما را به شنیدن شعر و داستان یا دیدن نمایشی در «قالب طنز» جلب کرده است!

طنز همانند تراژدی و حماسه، یک گونه یا ژانر ادبی و هنری است که به اقتضای توانمندی و گرایش هنری پدید آورنده، یا ظرفیت‌های بالقوه‌ی موضوع، در ظرف، قالب یا فرم‌های متنوع هنری ارائه می‌شود...

۳-۴-۱. معضل بی‌کاری

مثال:

دلی که عاشقه از زندگی بیزاره دیگه
پیا عاشق نشی‌ها، آدمیه، کاره دیگه...
هی بالا پایین پریدی که چرا کار ندارم
بالا و پایین پریدنم خودش کاره دیگه...^{۴۲}
(مقدم، ۱۳۸۹: ۲۱۶)

۴-۴-۱. معضل ازدواج جوانان

مثال:

تا که حرف از ازدواج خود زنم
سیخ گردد موی بر روی تنم...
ازدواج آتش زند بر خرمم
خرمم، آی خرمم، آی خرمم...^{۴۳}
(رفیعی، ۱۳۸۸: ۱۵۵)

۵-۴-۱. مشکل مسکن

مثال:

از کجا آورده‌ای این نصفه‌ی سیگار را؟
از کجا آورده‌ای این وصله‌ی شلوار را...؟
تو که عمری بوده‌ای بی‌سایه‌بان و سر پناه
از کجا آورده‌ای این سایه‌ی دیوار را...؟^{۴۴}
(گویا، ۱۳۸۹: ۲۱۰)

۶-۴-۱. آلودگی محیط‌زیست

مثال:

کشیدم روی کاغذ با قلم موی سیاه آهو
نمی‌دانم چه شد افتاد بعد از آن به راه آهو...
ولی امروز از بس دود و دم در شهر تهران هست
که گاهی می‌شود از دور با بُز اشتباه آهو...^{۴۵}
(فیض، ۱۳۸۹: ۵۸)

۷-۴-۱. زن و شوهرها

مثال:

زن نباید به فکر مش باشد
مش همین پنج ماه و شش باشد...

دهد گیر هی به شوهر خود
 دست در جیب شوهرش نکند
 هی نخواهد پی تنش باشد...
 بلکه در جیب وی شپش باشد...^{۴۶}
 (اشتیاقی، ۱۳۸۹: ۴۲)

۱-۴-۸. بوق زدن بی دلیل ماشین‌ها

مثال:

راننده‌ها بدون سبب بوق می‌زنند
 یا می‌زنند از تو جلو، دست روی بوق
 هنگام ظهر و نیمه‌ی شب بوق می‌زنند...
 آن هم اگر نشد، زعقب بوق می‌زنند...^{۴۷}
 (مجردزاده کرمانی، ۱۳۸۸: ۱۰۱)

۱-۴-۹. فوتبال

مثال:

گلش پرپر، دو کفشش پاره فوتبال
 تو گوشت پنبه‌کن مشدی که امروز
 عجب وضعش فلاکت باره فوتبال...
 پر از فحش و پر از لیچاره فوتبال...
 بکش آه و بگو بیچاره فوتبال^{۴۸}
 (سلیمانی پور، ۱۳۸۹: ۱۴۸)

۱-۴-۱۰. شعر و شاعری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مثال:

گذشتی و نگذشتم، رمیدی و نرمیدم
 مدیح مردم نادان، سرودی و نسرودم
 نهفتی و نهفتم، چمیدی و نچمیدم
 به نعره چاک گریبان، دریدی و ندریدم
 کنار بادیه ليسان، لمیدی و نلمیدم^{۴۹}
 (زرویی نصرآباد، ۱۳۸۹: ۱۳۳)

۱-۵. آئینی

«وجه تمایز شعر آئینی با دیگر انواع شعر، به جهت موضوعی، در مقوله‌های مختلف مذهبی است که به آن می‌پردازیم و الا در خصوص عناصر شعری هیچ تفاوتی با آنها

۱-۵-۳. حضرت علی (علیه السلام)

مثال:

یک کوجه غیرت‌ای برادر تاعلی مانده است
شمشیر بردارد هر آنکس با علی مانده است...
ای مرد بر تیغت مبادا گرد بنشینند
برخیز، تا برخواستن یک یا علی مانده است^{۵۳}
(جهاندار، ۱۳۸۱: ۲۱)

۱-۵-۴. امام حسن مجتبی (علیه السلام)

مثال:

یک عمر در حوالی غربت مقیم بود
آن سیدی که سفره‌ی دستش کریم بود...
حقّش نبود تیر به تابوت او زدن
این کعبه در عبادت مردم سحیم بود...^{۵۴}
(جعفری، بی تا)
۱-۵-۵. امام حسین (علیه السلام) و یاران وفادارش در واقعه‌ی کربلا (اشعار عاشورایی)

مثال:

بگو که یک شبه مردی شدی برای خودت
و ایستادی امروز روی پای خودت...
از آسمانی گهواره روی خاک بیفت
بیفت مثل همه مردها به پای خودت...
سه روز بعد، در افلاک دهن خواهی شد
درون قلب پدر، خاک کربلای خودت^{۵۵}
(جانفدا، بی تا)

۲. تحولات ساختاری

۲-۱. قافیه

«حداقل حروف مشترک لازم برای قافیه تابع دو قاعده است:

قاعده‌ی ۱. هر یک از مصوت‌های «آ» و «و» به تنهایی قافیه قرار می‌گیرند...

قاعده‌ی ۲. هر مصوت با یک یا دو صامت بعدش قافیه قرار می‌گیرد: مصوت +

صامت (+صامت).

تبصره‌ی ۱. به آخر واژه‌ی قافیه ممکن است یک یا چند حرف الحاق شود. حرف یا حروف الحاقی نیز جزو مشترک قافیه‌اند.

تبصره‌ی ۲. بعضی از واژه‌ها به (ه بیان حرکت) یا مصوت «ی» ختم می‌شوند... این «ِ» و «ی» گرچه جزو کلمه‌ی قافیه یعنی حروف اصلی هستند، اما از نظر قافیه الحاقی به شمار می‌آیند...^{۵۶} (وحیدیان کامکار، ۱۳۸۱: ۱۵ تا ۱۶)

در ادامه به بررسی برخی از رویکردهای غزل‌سرایان در دو دهه‌ی اخیر به شگردهای مختلف استفاده از قافیه می‌پردازیم:

۱-۱-۲. مصوت «ی» اساس قافیه

مثال:

بغض می‌کنی در من، بعد زود می‌خندی
تخت قایم شو، توی خواب من، یعنی...
ضجه می‌زنم در تو، گریه می‌کنی از کی
روی می‌ریزم ارتباط‌هایم رازیر
(سهرابی، ۱۳۸۷: ۲۲۸)

۲-۱-۲. مصوت «کسره» اساس قافیه

مثال:

همان مسیر پر از چاه و چاله از اول
بهار یخ زده و مرگ شاخه از اول
حضور عکس تو در قاب خانه از اول
پس از تموج سکرآور زمستانی
(سپهری، ۱۳۸۷: ۲۲۸)

۳-۱-۲. واژگان محاوره‌ای یا اصوات

مثال:

نه روی قالی کاشان، به روی فرش زمین...
«کجاست عشق بزرگم؟!... آهای! فین... فین!!»
بیا کنار غزل‌های کوچکم بنشین
و دستمال کثیفی پر از فریبی خیس
(بهرام پرور، ۱۳۸۷: ۲۳۰ تا ۲۳۱)

۲-۱-۴. تنوین‌ها

مثال:

صدای گریه شروعی برای بودن بود و رنگ بودن از اول به طعم شیون بود
صدای زنگ نفس‌هایش از نفس افتاد درست عقربه بر لحظه دقیقاً بود
(داودنژاد، ۱۳۸۷: ۲۳۵)

۲-۱-۵. تشکیل قافیه از دو یا چند تکواژ

مثال:

می‌خواستم عزیز تو باشم خدا نخواست همراه و همگریز تو باشم خدا نخواست...
آه‌ای پری هر چه غزل گریه! خواستم بیت ترانه‌ای ز تو باشم خدا نخواست
(صفریان، ۱۳۸۷: ۲۴۵)

۲-۱-۶. قافیه‌های کم کاربرد

مثال:

غروب، پر زدن قهوه‌خانه در پاتق صدای غل غل قلیان و فس فس چیق^{۵۷}
(میررکنی، بی‌تا)

۲-۲. ردیف

«ردیف را چنین تعریف کرده‌اند: بدان که ردیف عبارت است از کلمه یا بیش‌تر که مستقل باشد در لفظ و بعد از قافیه‌ی اصلی به یک معنی تکرار یابد...»

سابقه‌ی ردیف:

از بررسی شعرهای فارسی و عربی و ترکی به خوبی دانسته می‌شود که ردیف خاص ایرانیان و اختراع ایشان است؛ زیرا تا آنجا که می‌دانیم در این سه زبان ردیف وجود دارد اما در هیچ کدام به اهمیت و سابقه‌ی فارسی نیست» (۵۸) (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۱۲۳ تا ۱۲۴) آنچه که از بررسی ردیف در غزل دو دهه‌ی اخیر به دست می‌آید، استفاده‌ی

چشم‌گیر شاعران از ردیف‌های کم کاربرد است که در کنار برخی دیگر از نوآوری‌ها قابل بررسی است که در ادامه به برخی از آنها می‌پردازیم:

۱-۲-۲. تغییر معنای ردیف

مثال:

از کرامات نگاهت مددی ساخته‌ام	این که از صفر وجودم عددی ساخته‌ام...
روزگاری ست که از شوق نوازش‌هایت	با تب زخم عمیقی که زدی، ساخته‌ام

(رستم‌پور، ۱۳۸۷: ۲۴۴)

۲-۲-۲. تغییر ردیف

مثال:

چراغ ساعت شش روی ریل‌ها روشن	قطاری آمد از آغاز ماجرا روشن...
به آخر رؤیا می‌رسم، و چشمانم	رسیده‌اند به پایان ماجرا خاموش...

(صادقی، ۱۳۸۷: ۲۴۱)

[۳-۲-۲. ردیف‌های کم کاربرد

۱-۳-۲-۲. ردیف‌های حرفی

مثال:

و مرد بی‌مورد لحظه‌ی تصادف که	رسیده بود به زن کرد هی تعارف که... ^{۵۹}
-------------------------------	--

(میرزایی، ۱۳۸۷: ۱۴)

۲-۳-۲-۲. ردیف‌های اسمی

مثال:

کنار جاده‌ی ممنوع ایستاد اتوبوس	به قهوه‌خانه‌ی تعطیل پا نهاد اتوبوس ^{۶۰}
---------------------------------	---

(حسنی، ۱۳۸۲: ۱۰۶)

۲-۳. مشترک بین قافیه و ردیف

۲-۳-۱. ترکیب قافیه و ردیف

مثال:

نگاه جاده‌ها بر ماست اما پایمان بسته است مقصر، باز پنداری که تقدیر زبان بسته است
و می‌رفتیم با حس رسیدن تا افق، اما خبر دادند گویا انتهای راهمان بسته است...
(غریبی، ۱۳۸۷: ۲۳۵)

۲-۳-۲. بدون قافیه و ردیف

مثال:

برایم از نفست عطر خوب آوردی کمی دعای مقلب قلوب آوردی
سری زدی به گذشته... به رود برگشتی و کرخه کرخه برایم جنوب آوردی...
کبوتران مهاجر چقدر غمگین‌اند که فصل غربت خورشید می‌رسد آرام...^{۶۱}
(کریمی، ۱۳۸۷: ۲۴۴ تا ۲۴۵)

۲-۴. نحوه‌ی نگارش مصراع‌ها

از دیرباز در بین شاعران و حتی خوش‌نویسان این گونه مرسوم بوده است که برای نگارش یک غزل ابیات را زیر هم می‌نوشتند، اما در چند دهه‌ی اخیر، تحت تأثیر اشعار نیمایی و سپید، غزل‌سرایان هم دیگر دو مصراع یک بیت رو به روی هم نمی‌نویسند و با زیرهم‌نویسی تمامی مصراع‌های یک غزل و یا کوتاه و بلندنویسی مصراع‌ها روش نوینی را در این زمینه برگزیدند که در ادامه به طور کامل‌تری به بررسی این گونه نوآوری‌ها می‌پردازیم:

۲-۴-۱. کوتاه و بلندنویسی مصراع‌ها

مثال:

هر که

هر وقت

حلقه بر در زد

فکر کردم تویی که می‌آیی

توی کوچه

نسیم اگر پر زد

فکر کردم تویی که می‌آیی...^{۶۲}

(واقع طلب، ۱۳۸۰: ۹)

۲-۴-۲. شعر دیداری (کانکریت‌نویسی)

مثال:

این نامه آدرس ندارد، این نامه بی اسم و امضا
این نامه از من به یک زن، با بهترین آرزوها...

اینجا

فرستنده

آن دور

گیرنده

یک زن

این نامه از من به یک زن، یک زن به نام...^{۶۳}

(امیری، ۱۳۸۲: ۴۶)

۲-۵. وزن

«خواجه نصیرالدین طوسی، در معیار الاشعار، گوید: اما وزن هیأتی است تابع نظام ترتیبی حرکات و سکانات و تناسب آن در عدد و مقدار که نفس از ادراک آن هیأت لذتی

مخصوص یابد که آن را در این موضع وزن خوانند.

تعریف‌های بسیاری درباره‌ی وزن شده است که هر کدام مورد انتقاد واقع است و کم و بیش تعریف جامع و مانعی به نظر نمی‌رسد. شاید بهترین تعریف این باشد که بگوییم: وزن نوعی تناسب است. تناسب کیفیتی است حاصل از ادراک وحدتی در میان اجزاء متعدد. تناسب اگر در مکان واقع شود آنرا قرینه می‌خوانند و اگر در زمان واقع شود، وزن خوانند»^{۶۴}

(شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۳۸)

در دو دهه‌ی مورد بررسی این مقاله آنچه که در زمیه‌ی مسایل مرتبط با وزن قابل بررسی است، نوآوری‌های وزنی نیست. بلکه اقبال شاعران غزل‌سرا به برخی اوزان خاص است که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم:

۲-۵-۱. وزن‌های بلند

۲-۵-۱-۱. وزن‌های بلند دوری

مثال:

د ف می‌زند هر شب دَدَف دَف ماه، در برکه‌ای مهتاب می‌رقصد

در بزم این ماه نوازنده، یک ماهی بی‌تاب می‌رقصد^{۶۵}

(داوری، ۱۳۸۲: ۱۳۲)

۲-۵-۱-۲. وزن‌های بلند غیردوری

مثال:

موج می‌اندازد این شانه به مویت، موت واکن شانه بر سر

شانه را بردار تا باران بیفتد روی شانه بار دیگر^{۶۶}

(راد، ۱۳۸۴: ۵۷)

۲-۵-۲. دو وزن پر کاربرد.

۲-۵-۱. مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلنُ (فاعلات)

مثال:

می خواستم که نثر... به شعری بدل شدی می خواستم سپید بگویم، غزل شدی^{۶۷}
(ساریجلو، ۱۳۸۷: ۳۹)

۲-۵-۲. مفاعِلنُ فَعَلاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعَلنْ (فاعلات)

مثال:

به آشیانه دو تا یاکریم برگشتند دوباره خاطره‌های قدیم برگشتند^{۶۸}
(صمدی، ۱۳۸۶: ۲۷)

۲-۶. روایت‌گری

وارد کردن عنصر روایت در غزل باعث به وجود آمدن شعرهایی داستان محور شد؛ در واقع شاعر در قالب غزل یک داستان یا شبیه داستان را نیز برای مخاطب روایت می‌کرد که این مسأله گذشته از حُسن بسیار بزرگی که برای این غزل‌ها به ارمغان می‌آورد؛ یعنی تقویت محوری عمودی و به تبع آن استحکام ساختاری اثر، اما در بسیاری از موارد منجر به موقوف المعانی شدن تصنعی تمامی ابیات یک غزل می‌شد اتفاقی که شاید در آغاز به عنوان یک پدیده‌ی جدید، جذابیت‌هایی را به همراه داشت اما هر چه اقبال این نوآوری در بین شاعران نسل دوم دوره‌ی مورد بررسی ما بیش‌تر شد، شاعرانگی غزل‌ها بیش‌تر تحت الشعاع داستان‌پردازی‌ها قرار گرفت تا جایی که از بسیاری از غزل‌ها تنها داستانک‌هایی منظوم و سطحی باقی ماند.

در ادامه به برخی از تکنیک‌های استفاده از عنصر روایت در غزل‌های دو دهه‌ی اخیر

می‌پردازیم:

۲-۶-۱. روایت‌گری با استفاده از تلفیق غزل و داستان

مثال:

عصری میان آن همه خون‌گریه‌ها و دود ماشین سرخ گل زده آمد تو را ربود...^{۶۹}
(خوانساری، ۱۳۸۰: ۱۸)

۲-۶-۲. روایت‌گری با استفاده از تلفیق غزل، نقاشی و داستان

مثال:

نقاش من به تابلوی خود سری بکش امشب مرا به منظره‌ی دیگری بکش...^{۷۰}
(مردانی، ۱۳۸۵: ۴۰)

۲-۶-۳. روایت‌گری با استفاده از تلفیق غزل و سینما

مثال:

سکانس یک، نه شب، زن در ایستگاه ترن مسافری عزیز قطار نه لطفاً
به ضلع غربی سالن، هجوم آدم‌ها و زن که راه می‌افتد به سمت کویه‌ی من...^{۷۱}
(الوندی، ۱۳۸۱: ۱۶۹)

۲-۶-۴. روایت‌گری با استفاده از تلفیق غزل و نامه‌نگاری

مثال:

این شعر آری از زبان یک شهید است همراه یک نامه به دست من رسیده است...^{۷۲}
(آریان، ۱۳۸۹: ۵۲)

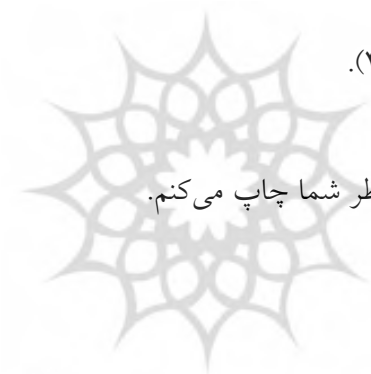
۲-۶-۵. روایت‌گری با استفاده از تلفیق غزل و روز شمار هفته

مثال:

دوباره شنبه وقتی می‌دویدی به من با پاکتی میوه رسیدی
و در برخورد ما روی زمین ریخت تمام سیب‌هایی که خریدی
و یکشنبه برای عذرخواهی گلابی، سرمه‌ای، چادر سفیدی...^{۷۳}
(مردانی، ۱۳۸۵: ۲۱)

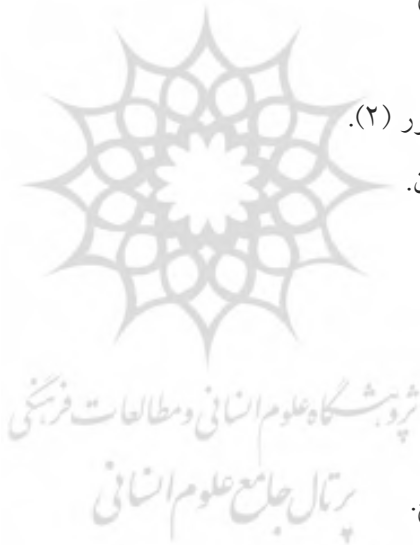
یادداشت‌ها

۱. هر لبت یک کبوتر سرخ است.
۲. این‌ها را فقط به خاطر شما چاپ می‌کنم.
۳. کبریتی اوستایی.
۴. این‌ها را فقط به خاطر شما چاپ می‌کنم.
۵. شب‌های شهرپور (۲).
۶. گریه روی شانهای تخم‌مرغ.
۷. چریک‌های جوان.
۸. شب‌های شهرپور (۴).
۹. شب منظومه‌ها.
۱۰. این‌ها را فقط به خاطر شما چاپ می‌کنم.
۱۱. سبک‌شناسی شعر.
۱۲. عشق قابیل است.
۱۳. مرد بی‌مورد.
۱۴. شب‌های شهرپور (۲).
۱۵. شب‌های شهرپور (۴).
۱۶. گریه روی شانهای تخم‌مرغ.
۱۷. چریک‌های جوان.
۱۸. حبسیه‌های یک ماهی.
۱۹. گریه روی شانهای تخم‌مرغ.
۲۰. شب‌های شهرپور (۲).
۲۱. گریه روی شانهای تخم‌مرغ.



ژوئیه‌نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۲۲. شب منظومه‌ها.
۲۳. گریه روی شانهِ تخم‌مرغ.
۲۴. این‌ها را فقط به خاطر شما چاپ می‌کنم.
۲۵. شب منظومه‌ها.
۲۶. گریه روی شانهِ تخم‌مرغ.
۲۷. وبلاگ فراموش کردم فراموش کنم.
۲۸. شب‌های شهر یور (۴).
۲۹. از طراوت سرخ.
۳۰. روایت مجنون.
۳۱. شب‌های شهر یور (۲).
۳۲. در ضیافت باران.
۳۳. به قدر رهایی.
۳۴. روایت مجنون.
۳۵. همان.
۳۶. همان.
۳۷. از طراوت سرخ.
۳۸. یک بغل کاکتوس.
۳۹. بدیع در شعر فارسی.
۴۰. یک بغل کاکتوس.
۴۱. این مرد مشکوک.
۴۲. یک بغل کاکتوس.
۴۳. در حلقه‌ی رندان (۱).



۴۴. یک بغل کاکتوس.
۴۵. نزدیک ته خیار.
۴۶. یک بغل کاکتوس.
۴۷. در حلقه‌ی رندان (۱).
۴۸. یک بغل کاکتوس.
۴۹. همان.
۵۰. آخرین دقیقه‌های آخر الزمان.
۵۱. پشت پرده‌ی ملکوت.
۵۲. شب منظومه‌ها.
۵۳. صورت پیوند جهان (۳).
۵۴. وبلاگ سواد آینه.
۵۵. وبلاگ کمیت.
۵۶. فرهنگ قافیه در شعر فارسی.
۵۷. وبلاگ فراموش کردم فراموش کنم.
۵۸. موسیقی شعر.
۵۹. مرد بی مورد.
۶۰. چریک‌های جوان.
۶۱. سفر در آینه (نمونه‌های ارائه شده در بخش قافیه و ردیف از مقاله‌ی «گونه‌های نوآوری در قافیه‌ی غزل امروز» نوشته‌ی سید هانی رضوی استخراج شده است، البته با اندکی تلخیص و در قالب تقسیم‌بندی جدید و اضافه شدن دو عنوان قافیه‌ها و ردیف‌های کم کاربرد).
۶۲. گزینه ادبیات معاصر.



- ۶۳. چریک‌های جوان.
- ۶۴. موسیقی شعر.
- ۶۵. چریک‌های جوان.
- ۶۶. شب‌های شهریور (۴).
- ۶۷. شب منظومه‌ها.
- ۶۸. خیابان حصار.
- ۶۹. گزیده ادبیات معاصر.
- ۷۰. عاشقانه‌های یک جهنمی.
- ۷۱. شب‌های شهریور (۲).
- ۷۲. یک چندم از من.
- ۷۳. عاشقانه‌های یک جهنمی.

کتاب‌نامه

۱. آریان، مریم، ۱۳۸۹، یک چندم از من، تهران: هنر رسانه‌ی اردیبهشت.
۲. انصاری، راشد، ۱۳۸۲، این مرد مشکوک، تهران: همسایه.
۳. بدیع، علیرضا، ۱۳۸۴، جسیه‌های یک ماهی، مشهد: نی نگار.
۴. تقوایی، ابوالقاسم، ۱۳۸۷، کبریتی اوستایی، تهران: دعوت.
۵. حیدری آل کثیر، مرتضی، ۱۳۸۶، خورشید در عبای تو پیچیده است، تهران: آرام دل.
۶. دبیرخانه‌ی جشنواره‌ی شعر علوی، ۱۳۸۱، صورت پیوند جهان، جلد سوم، ساری: شلفین.
۷. دبیرخانه‌ی کنگره‌ی شعر دفاع مقدس، ۱۳۸۱، از طراوت سرخ، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۸. دبیرخانه کنگره سراسری شعر دفاع مقدس، ۱۳۸۳، روایت مجنون، تهران: لوح زرین - صریح.

۹. دفتر طنز حوزه هنری، ۱۳۸۸، در حلقه‌ی رندان، تهران: سوره مهر.
۱۰. رحیمی، مهدی، ۱۳۸۶، رقص بر پل چینود، تهران: آرام دل.
۱۱. زارع، نجمه، ۱۳۸۵، عشق قابیل است، اصفهان: فرهنگ مردم.
۱۲. زارعی، مهدی، ۱۳۸۷، آخرین دقیقه‌های آخر الزمان، تهران: آرام دل.
۱۳.، ۱۳۸۶، شب منظومه‌ها، تهران: سوره مهر.
۱۴. سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، ۱۳۸۱، شب‌های شهریور، جلد دوم، تهران: نشر شهر.
۱۵.، ۱۳۸۴، شب‌های شهریور، جلد چهارم، تهران: مدیا.
۱۶. سمنانی، وحید، ۱۳۸۶، صدف‌های لال، کرج: شانی.
۱۷. شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۷۶، موسیقی شعر، چاپ پنجم، تهران، آگاه.
۱۸. شمیسا، سیروس، ۱۳۷۸، سبک‌شناسی شعر، چاپ چهارم، تهران: فردوسی.
۱۹. صمدی، ابوالفضل، ۱۳۸۶، خیابان حصار، مشهد: سخن گستر.
۲۰. طریقی، غلامرضا، ۱۳۸۶، هر لب‌ت یک کبوتر سرخ است، تهران: سوره مهر.
۲۱. عقدایی، تورج، ۱۳۸۰، بدیع در شعر فارسی، زنجان: نیکان کتاب.
۲۲. فیض، ناصر، ۱۳۸۹، نزدیک ته خیار، تهران: سوره مهر.
۲۳. مردانی، مهدی، ۱۳۸۵، عاشقانه‌های یک جهنمی، قزوین: حدیث امروز.
۲۴.، ۱۳۸۸، پشت پرده‌ی ملکوت، تهران: فصل پنجم.
۲۵. معاونت فرهنگی پرورشی نیروی مقاومت بسیج، ۱۳۸۳، در ضیافت باران، تهران: بیک سبحان.
۲۶. موسوی، مهدی، ۱۳۸۴، این‌ها را فقط به خاطر شما چاپ می‌کنم، مشهد: سخن گستر.
۲۷. مهری خوانساری، هادی، ۱۳۸۰، گزیده ادبیات معاصر، تهران: نیستان.
۲۸. مهدی‌نژاد، امید، ۱۳۸۹، یک بغل کاکتوس، چاپ دوم، مشهد: سپیده باوران.
۲۹. میرزایی، محمدسعید، ۱۳۷۸، مرد بی‌مورد، کرج: نادى.
۳۰. واقع‌طلب، جلیل، ۱۳۸۰، گزیده ادبیات معاصر، تهران: نیستان.

